

# جهانی شدن و نیروی کار



جواد دلجوی شهیر

لیسانس مدیریت صنعتی و کارشناس بازار کار

## مقدمه

دهنده غوطه‌ور بودن در دنیایی جهانی شده است. آری جهانی شدن با ماست، چه باور کنیم، چه نکنیم، چه بپذیریم و چه نپذیریم و چه بپسندیم یا نپسندیم؟! تنها با ماست که با شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای آن، از فرصت‌هایش استفاده کرده و تاحد ممکن از توان‌هایش بکاهیم. نقطه آغازین این راه شناخت جهانی شدن است. شناخت بی‌غرض آن به شکل یک پدیده نوظهور. باید بدانیم که برچسب‌هایی که پیش از شناخت جهانی شدن بدان می‌زنیم، تغییری در تحقق آن به وجود نمی‌آورد، تنها ما را ناتوان‌تر می‌سازد، چرا که بدون شناختش توان مواجهه با آن را نیز از دست داده‌ایم. این مقاله کوششی است در این راه، تا با شناختی نسبی از جهانی شدن، به تحولاتی که در عرصه بازار کار در کشورمان و جهان پدید می‌آورد، بپردازیم و از تجارب سایر کشورها در این راه بهره‌مند شویم تا خود را در مواجهه با تحولات آن، تواناتر سازیم.

## تعاریف مختلف از جهانی شدن

جهانی شدن از واژه‌هایی است که ظاهراً هرکس آن را به معنای خاصی به کار می‌برد. «کروگمن» و «ونه بالز» جهانی شدن را ادغام بیشتر بازارهای جهان تعریف کرده‌اند. کول جهانی شدن را الگوی تکامل یابنده‌ای از فعالیت‌های بین‌مرزی بنگاه‌ها و

جای بسی تامل است که بسیاری بر روی برخی از پدیده‌های عصر حاضر بر سر نزاع با یکدیگر افتاده‌اند، بدون این که شناختی ولو نسبی از این پدیده‌های نوظهور داشته باشند. جهانی شدن یکی از این پدیده‌هاست. جهانی شدن نه چنان که طرفداران پر و پا قرص آن مطرح می‌کنند، نوش‌داروی همه دردهای قرن حاضر است و نه چنان که هواداران نظام‌های شکسته خورده باور دارند، توطئه و فاجعه نظام‌های مبتنی بر دموکراسی. آنها غافل از آن هستند که جهانی شدن حتی بدون اظهار نظر آنان، به‌عنوان واقعیتی انکارناپذیر وجود و حضور دارد. نه تنها با نگاه به اطراف خود بسیاری از نشانه‌های آن را می‌یابیم، بلکه حتی هنگامی که با جهانی شدن مخالفت می‌ورزیم، این اظهار نظر خود را به کمک نشانه‌های بارز جهانی شدن انعکاس می‌دهیم! هنگامی که نظرات خود را در مورد جهانی شدن از طریق رسانه‌های جمعی انعکاس می‌دهیم، به کمک تریبونی به نکات مثبت یا منفی آن می‌پردازیم، با وسایلی که مقالات کنونی خود را تایپ می‌کنیم، تاخیر خود را در رسیدن به سخنرانی به کمک موبایل اطلاع می‌دهیم، جملگی نشان

شرکت‌ها می‌داند که شامل سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی، تجارت و همکاری برای ابداع و نوآوری و توسعه فرآورده‌های تازه و نو، تولید، منبع‌شناسی و بازاریابی است. از منظر «مک ایوان» جهانی شدن گسترش بین‌المللی مناسبات تولیدی و مبادله‌ای سرمایه سالارانه است. «سانکلیف» و «گلین»، علاوه بر گسترش سرمایه‌داری، به هم پیوستگی بیشتر اقتصادها را مدنظر دارد. اما «پانیتج» بر این باور است که جهانی شدن به معنای نابودی جنبه‌ای از ساختار اجتماعی قدیمی و جایگزینی ساختار اجتماعی جدیدی به جای آن. «واترن» به جهانی شدن به مثابه روندی اجتماعی می‌نگریست که در آن تاثیر محدودیت‌های جغرافیایی بر قرار و مدارهای اجتماعی و فرهنگی کمتر می‌شود و مردم نیز به‌طور روز افزونی از این کاهش محدودیت‌ها با خبر می‌شوند. «لئوارد» بر این نظر است که جهانی شدن ظهور وضعیتی است که رفاه یک شهروند دیگر فقط به عملکرد دولت‌شان محدود نمی‌شود. (سیف، ۱۹۹۷) به طور کلی مشخصه بسیار مهم جهانی‌شدن، از بین رفتن مرزهای اقتصادی و تحرک روز افزون منابع و به‌طور مشخص سرمایه و کار است که بدنبال خود رقابت‌ها و در عین حال همکاری‌های بنگاه‌های بین‌المللی را یدک می‌کشد. اما باید توجه داشت که جهانی شدن در دوره کنونی بسیار فراتر از تحرک صرف منابع است. در این میان «سیمونز» تعریف جامع‌تری ارائه می‌کند. از دید او جهانی شدن دارای خصایص مختلفی است که به‌قرار ذیل‌اند:

۱- برداشته شدن مرزهای ملی برای جدا سازی بازارها.

- ۲- تخصصی شدن کارخانه‌های بین‌مرزی که به شکل‌گیری شبکه‌های تولیدی چندملیتی منجر می‌شود.
  - ۳- قدرت‌های چند پایه تکنولوژیک که به همکاری‌های استراتژیک بین بنگاه‌های چند ملیتی منجر می‌شود.
  - ۴- شبکه‌های اطلاعاتی جهانی که تمامی نقاط جهان را به یکدیگر مرتبط می‌سازد.
  - ۵- همبستگی و رقابت هر چه فشرده‌تر مراکز مالی جهانی. (همانجا)
- با گذری اجمالی بر نظریات مختلف در خصوص جهانی شدن می‌توان آن را این گونه جمع‌بندی نمود:
- ۱- تجارت و گسترش حجمی آن و همچنین تنوع معاملاتی که هم از نظر کالا و هم خدمات در نقاط مرزی انجام می‌گیرند.
  - ۲- میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و افزایش جریان سرمایه بین‌المللی
  - ۳- انتقال سریع و رو به گسترش تکنولوژی و مهاجرت نیروی کار بین‌المللی.
  - ۴- گسترش ارتباطات و فرآیندهای اطلاعات در اقصی نقاط جهان و پدید آمدن دنیای مجازی ارتباطات و اطلاعات.

### اهواج ادوار مختلف جهانی شدن

اکنون جهان چندین موج از فرآیند جهانی شدن را پشت سر گذاشته است که نخستین آنها به قرن سیزدهم میلادی و دوران مارکوپولو برمی‌گردد. تمامی این مراحل، وجوه مشترک فراوانی با دوران ما دارند: توسعه تجارت، گسترش تکنولوژی، مهاجرت وسیع و اختلاط فرهنگ‌ها.



در پایان قرن نوزدهم، دنیا تا حدود زیادی، جهانی شده بود. کاهش چشمگیر هزینه حمل و نقل، موجب رونق سریع تجارت شد و نرخ تجارت جهانی در سال ۱۹۱۳ به نقطه‌ای رسید که دیگر جهان تا سال ۱۹۷۰ آن را تجربه نکرد. رشد تجارت با جابجایی بی‌سابقه سرمایه در سطح جهان (حدود ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی در برخی از کشورها) همراه شد و مهاجرت گسترده به ویژه به آمریکا صورت گرفت. (نرخ مهاجرت برای برخی از کشورها به نیم تا یک درصد جمعیت آنها رسید). پس از دو جنگ جهانی و بروز رکود بزرگ، موج جدید جهانی شدن آغاز شد که ویژگی بارز آن کاهش باز هم بیشتر هزینه حمل و نقل بود که از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ به بیش از نصف کاهش یافت. توسعه شرکت‌های چندملیتی، از دیگر خصایص این دوره از جهانی شدن بود. این شرکت‌ها قادر بودند فراتر از موانعی چون سیاستگذاری‌های ملی و عوامل دیگری از این دست، عمل کرده و حتی به دور افتاده‌ترین نقاط جهان نیز نفوذ کنند. نتیجه این عوامل، رشد غیرمنتظره تولید و ارتقای سریع سطح زندگی مردم بود.

اما موج جدید جهانی شدن چیز دیگری است. موج اخیر مدیون تسهیل روند تبادل اطلاعات و رشد بی‌سابقه کامپیوتر و تکنولوژی‌های مخابراتی است که از دهه ۱۹۷۰ تاکنون هزینه حسابرسی و ارتباطات را تا ۹۹ درصد کاهش داده است. این پیشرفت‌های فنی به تدریج کیفیت و دامنه خدمات قابل مبادله را گسترش داده و اقتصاد جهانی را بیش از پیش به سوی هم پیوندی سوق داده است.

آیا این تحولی مثبت است؟ مدلی که تئوری اقتصادی هکشر-اولین - ساموئلسون از تجارت بین‌المللی ارایه می‌دهد بر این مبنا قرار دارد که هم پیوندی اقتصادی جهان اکنون بزرگترین امکان برای ارتقای سطح رفاه بشری در تاریخ پدید آورده است. این حکم، مبتنی بر فرضیاتی است که اهم آنها به قرار ذیل است:

- ۱- جابجایی آزادانه کالا و عوامل تولید (سرمایه و نیروی کار).
- ۲- دسترسی آزاد به اطلاعات و رقابت واقعی و شدید.

### روپا رویی با چالش‌های جهانی شدن:

جهانی شدن آنگونه که اکنون دنیا را تحت تاثیر قرار می‌دهد، به فرآیندی بدل شده است که طی آن، جریان آزاداندیشه، انسان، کالا، خدمات و سرمایه در سراسر دنیا میسر گردیده و موجبات رفاه و سعادت بیشتر شرکت‌کنندگان در این فرآیند را فراهم آورده است. موافقان جهانی شدن بر تحولات عظیمی معطوف هستند که در اقصی نقاط دنیا به وقوع پیوسته‌اند و تاکنون سابقه نداشته‌اند. تحولاتی که از مالزی تا مکزیک را در برمی‌گیرد. حدود دو تریلیون دلار سرمایه از کشورهای ثروتمند از طریق سهام، سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه و وام‌های تجاری به کشورهای فقیر و در حال توسعه منتقل می‌شود و همزمان با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید همراه بوده است که کالاهای جوامع فقیر یا در حال توسعه را به جوامع پیشرفته عرضه کرده است. با چرخش سرمایه و نیروی کار، بازارهای کشورهایی که تا پیش از این انحصاری در اختیار معدودی از سودطلبان و رانت‌خواران بود، از زیر چتر آنان



خارج شده و به سوی بازاری پیش می‌رود که رقابتی است. جهانی شدن موجب افزایش درآمدها و ارتقای سطح زندگی در بیشتر نقاط دنیا شده و این مهم از طریق دسترسی کشورهای کمتر توسعه یافته به تکنولوژی پیشرفته و پیچیده محقق می‌گردد. به عنوان مثال، از دهه ۱۹۶۰ تاکنون، امید به زندگی در هند بیش از ۲۰ سال افزایش پیدا کرده و نرخ بیسوادی در کره از ۳۰ درصد به تقریباً صفر رسیده است. عوامل متعددی در این کامیابی‌ها دخیل بوده‌اند، اما به نظر می‌رسد هیچ یک از این دستاوردها، بدون جهانی شدن قابل حصول نبود. به علاوه، هم پیوندی بیشتر جامعه جهانی، موجب انتشار سهل‌تر اطلاعات و افزایش حق انتخاب گردیده که خود، آزادی بیشتر مردم را بدنبال داشته است.

اما در سال‌های اخیر، نگرانی نسبت به جنبه‌های منفی جهانی شدن در میان کشورهای فقیر (یعنی ۱/۲ میلیارد نفری که درآمد روزانه‌ای کمتر از یک دلار دارند) قوت گرفته است. مخالفان جهانی شدن معتقدند که تجارت آزاد فقط به سود کشورهای ثروتمند است و بازارهای جهانی سرمایه، به زیان کشورهای فقیر عمل می‌کنند. باید توجه کرد که در جهان امروز، موانع متعددی بر سر راه جابجایی سرمایه و نیروی کار قرار دارد و هنوز موانع مهمی نیز بر سر راه تجارت جهانی باقی است. با وجود این، پس از جنگ جهانی دوم پیشرفت‌های بزرگی نیز در عرصه آزادسازی تجاری به دست آمده است. این جهانگرایی جدید که اغلب از میان کشورهای در حال

توسعه برخاسته‌اند، توانسته تنها با کاهش تعرفه‌های وارداتی به میزان ۳۴ درصد طی دو دهه اخیر، به این مهم دست یابند. این در حالی است که کشورهای دیگری که تعرفه‌های تجاری خود را طی این دوره تنها به میزان ۱۱ درصد کاهش داده‌اند، تقریباً هیچ رشد قابل ملاحظه‌ای را در عرصه اقتصادی و یا درآمد سرانه خویش تجربه نکرده‌اند. مخالفان جهانی شدن اذعان می‌کنند که برای آغاز سال ۲۰۰۵ نیمی از کودکان جهان، یعنی چیزی در حدود یک میلیارد نفر به دلیل فقر، جنگ و آیدز، از دوران کودکی خوبی برخوردار نیستند (ایران، شماره ۲۹۹۷: ۴) و پدیده کار کودکان که از معضلات جوامع بشری است به ۲۰۰ میلیون کودک بالغ شده است! (شرق، شماره ۳۶۳: ۲۶) این ارقام که به وسیله سازمان جهانی کار اعلام شده جدای از آن که نسبت به رقم ۲۵۰ میلیون نفر برای سال ۱۹۹۹ کاهش نشان می‌دهد، ولی عمدتاً در دهه‌های اخیر روند رو به رشدی را طی کرده است. (سازمان جهانی کار، ۱۹۹۶: ۶ - ۹؛ ایران، شماره ۲۹۹۷: ۴؛ اندیشه جامعه، ۱۳۷۸: ۶ - ۷) مقایسه روند رشد کار کودکان نشان می‌دهد که با حرکت هرچه بیشتر به سوی جهانی شدن، آسیب اجتماعی کار کودکان نیز رشد داشته است. (میوس، ۱۹۹۳: ۷۵) البته نحوه استفاده از آمار در بررسی‌های ما بسیار حایز اهمیت است. با رشد جمعیت جهان، طبیعی است که بر شمار کودکانی که به کار اشتغال دارند، افزوده خواهد شد و مهمتر، آن که چنین معضلاتی که همواره با زندگی بشری عجین بوده‌اند، با جهانی شدن، نه پدید آمده و نه از بین رفته‌اند، بلکه شناخت آسیب‌های اجتماعی آنها و



برنامه‌ریزی برای برطرف کردن‌شان، خصلتی جهانی یافته‌است. تاسیس و فعلیت سازمان جهانی کار، خود یکی از دستاوردهای جهانی شدن است. تا پیش از جهانی شدن معضلات اقتصادی و اجتماعی (همچون کار کودکان) خصلتی محلی و منطقه‌ای داشته‌اند، و هزاران اجحاف در حق کارگران و کودکان به وقوع می‌پیوست، بدون آن که آماری در این زمینه موجود باشد، چه به جای این که راه‌حلهایی برای آنها جستجو شده یا به اجرا گذاشته شود. بر اساس یک بررسی از بانک جهانی، تجارت زمینه‌ساز رشد اقتصادی است و رشد اقتصادی موجب کاهش فقر و افزایش امید به زندگی می‌شود. باید توجه کرد که توسعه و رشد اقتصادی به معنای محو فقر نیست، بلکه تجربه نشان داده که تنها موجب کاهش فقر می‌گردد.

نکته دیگر این که هم‌پیوندی بازارهای سرمایه و کار جهان طی دهه‌های اخیر تقویت شده است. این امر از همه بیشتر به ضرر انحصارطلبان کشورهای در حال توسعه تمام شده است و اکنون آنها از جدی‌ترین مخالفان جهانی شدن به شمار می‌روند. اگر چه مزایای جهانی شدن تجارت بر همگان واضح و مبرهن است، اما کشورهای در حال توسعه برای بهره‌مندی از این روند نیازمند چند پیش‌شرط هستند. در حال حاضر، آزادسازی حساب سرمایه در این کشورها با احتیاط تمام صورت می‌گیرد، اما بازگشایی بازار ملی سرمایه بر روی بازارهای جهانی، اگر با اتخاذ سیاست‌های داخلی سالم همراه گردد می‌تواند

موجبات جذب سرمایه لازم برای توسعه اقتصادی را فراهم آورد. آنچه به‌خصوص در این زمینه حایز اهمیت است، آن است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، به مراتب بیشتر از سرمایه اسنادی در انباشت سرمایه و رشد اقتصادی موثر است.

در سال ۲۰۰۱، نکته ظریف و بسیار مهم دیگری نیز در رابطه با بحث فواید و مضرات پدیده جهانی شدن مطرح شد. این نکته که به ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر مطرح شده است و بسیاری از نقاط ضعف جهانی شدن را پیش روی مردم دنیا قرار داده است، مساله مدیریت فرآیند جهانی شدن در سطح ملی و بین‌المللی است. این مدیریت باید به نحوی اعمال شود که همگان از مزایای جهانی شدن منتفع شده و مضرات آن نیز به حداقل کاهش پیدا کند. تردیدی نیست که گشودن دروازه کشورها به روی جامعه جهانی و هم‌پیوندی اقتصادها و فرهنگ‌ها، آینده‌ای امیدبخش برای دهکده جهانی ترسیم می‌کند. اما، آنچه مهم‌تر به نظر می‌رسد، این است که جهانی شدن تنها راه مطمئن به سوی تحکیم امنیت بین‌المللی و حفظ صلح جهانی است.

### خصلت جهانی نیروی کار

هم اکنون بیکاران آشکار جهان حدوداً بالغ بر ۱۶۰ میلیون نفر می‌گردد که از رقم مذکور ۵۳ میلیون نفر در کشورهای صنعتی و با اقتصاد در حال عبور به سر می‌برند و مابقی آنها در کشورهای درحال توسعه به حیات بی‌رمق خویش ادامه می‌دهند. ۳۱۰ میلیون دیگر، افرادی را تشکیل می‌دهند که از کار بسنده و کافی برای امرار معاش محروم هستند. هم اکنون تخمین زده

می‌شود که در سراسر جهان ۵۳۰ میلیون نفر را شاغلان فقیری تشکیل می‌دهند که درآمد روزانه آنها قادر به تامین درآمدسرانه و روزانه خانواده در حد ۱ دلار نیست! در واقع می‌توان گفت که این شاغلین فقیر که نان‌آور بوده و تمشیت زندگی یک میلیارد و دویست میلیونی هستند که در حال حاضر زیر خط فقر زندگی می‌کنند. در سال‌های اخیر اقتصاد جهانی، سالانه ۴۰ میلیون جویای کار تازه‌نفس، به امید یافتن شغلی شرافتمندانه پا به عرصه بازار کار می‌نهند، با این حساب، اقتصاد جهانی در آفرینش فرصت‌های شغلی مورد نیاز همه ساله با تاخیر فازی معادل ۸ میلیون شغل جدید رو به رو بوده است. پیش‌بینی می‌شود که ظرف دهه آتی ۵۰۰ میلیون نفر به نیروی کار جهان افزوده شود که ۹۷ درصد آنها متعلق به کشورهای در حال توسعه است. با قبول سناریوی فوق می‌توان گفت که افراد جویای کاری که نتوانسته‌اند شغل شرافتمندانه‌ای را در بازارهای رسمی پیدا کنند و از طرفی به دلایل اقتصادی، ماندن در بیکاری‌های بلندمدت برای آنها نیز غیرقابل تحمل بوده است، ناچار در پی یافتن شغل مورد نظر راهی بازارهای غیررسمی کار گردیده‌اند. در واقع می‌توان گفت که در سال‌های اخیر اکثر مشاغل ایجاد شده، به ویژه در کشورهای در حال توسعه و با اقتصاد در حال عبور، ناشی از فعالیت‌های اقتصاد غیررسمی بوده است. نکته بسیار حایز اهمیتی که به علت تبعات جبران ناپذیر و ثانوی آن تحت هیچ شرایطی نمی‌بایست از آن غفلت نمود، معضل بیکاری جوانان است. شدت

بیکاری جوانان در سال‌های اخیر به درجه‌ای از وخامت رسید که دبیرکل سازمان ملل را برانگیخت تا بپیوستن به سران سازمان بین‌المللی کار و بانک جهانی یک شبکه سیاستگذاری سطح بالایی را پیرامون بیکاری جوانان تشکیل دهند تا با به میدان کشیدن رهبران خلاق و صاحبان فکر و اندیشه در بخش خصوصی اعم از صنعت، جامعه مدنی و اقتصاد و در راستای فایق آمدن بر این چالش سخت، تمامی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های علمی و تجربی جهان را در کشف رهیافت‌های مبتکرانه جدید برای مقابله جدی با پدیده بیکاری جوانان به کار گیرند. چهار اولویت شناسایی شده و مورد اتفاق اولین گردهمایی فوق با هدف قرار گرفتن در محور سیاستگذاری‌های اشتغال ملی، عبارت بودند از:

- ۱- افزایش و ارتقای قابلیت‌های اشتغال با بسط، گسترش و تسهیل آموزش‌های فنی و حرفه‌ای.
- ۲- امحاء تبعیض در اشتغال جوانان و فراهم نمودن فرصت‌های مساوی برای زنان و مردان در عرصه کار و اشتغال.
- ۳- اتخاذ سیاست‌های قوی و پایدار در سطوح بین‌المللی و ملی برای اشتغال آفرینی.
- ۴- بسط و ارتقای کارآفرینی و مهم‌تر از همه پرداختن به اقداماتی با هدف بهبود و اصلاح توانمندی‌های منابع اقتصادی و نیروی انسانی، دسترسی آسان و عاری از تبعیض به منابع مالی و بانکی برای جوانان، بهره‌وری و بهبود درآمد جوانان در بازارهای غیررسمی کار.

شایان ذکر است که هم اکنون خیل عظیمی از جوانان در طول دهه ۱۹۹۰ دو برابر گردیده است؛ یعنی از میزان ۸ درصد در آغاز ۱۹۹۰ به ۱۶



درصد در سال ۱۹۹۹ افزایش یافته است و در همان زمان، پوشش تامین اجتماعی برای جوانان از ۴۴ درصد به ۲۸ درصد تقلیل یافته است. تقریباً تمامی مشاغلی که جدیداً برای جوانان ایجاد شده‌اند، منبعث از فعالیت‌های اقتصاد غیررسمی بوده است. در بازارهای غیررسمی اغلب میزان دستمزدها ۴۴ درصد کمتر از نرخ دستمزدهای مشابه در بازار رسمی کار است. از آنجایی که ظرف دهه آتی یک میلیارد زن و مرد جوان با پانهادن به سن قانونی کار، وارد بازار کار می‌شوند، بزرگ‌ترین چالش جهان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه می‌بایست مصروف توسعه و اجرای استراتژی‌هایی گردد، تا با تدارک کارهای شرافتمندانه و تولیدی به زندگی نیروی کار جوان سامان بخشیده و تسکینی برای نگرانی‌های روزافزون آنها باشد.

بررسی‌های کارشناسی حاکی از آن است که طیف وسیعی از موانع قانونی و دیوانسالارانه، مقررات و آیین‌نامه‌های پیچیده، هزینه‌بر، طولانی و خسته کننده مرتبط با ثبت کارهای تولیدی و تجاری، برخوردهای تبعیض آمیز اداری با ارباب رجوع، سیاست‌های غیرحمایتی در رابطه با دسترسی به منابع مالی، منابع اطلاعاتی، مهارت‌های فنی، حقوق مالکیت، زیرساخت‌ها و خدمات عمومی از جمله موانع و مشکلاتی است که کارآفرینان را برای سرمایه‌گذاری، استخدام رسمی کارگران و رونق بخشیدن به اقتصادهای رسمی دلسرد نموده و به ناچار آنان را راهی فعالیت‌های زیرزمینی می‌کند.

### جهانی شدن و اقتصاد غیررسمی

برای هر نوع برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در خصوص بازار کار، باید علاوه بر اقتصاد و بازارکار رسمی، اقتصاد و بازار کار غیررسمی را نیز مدنظر قرار داده و بررسی کنیم. غالباً استناد می‌گردد که جهانی شدن ابزار مهمی در انبساط و گسترش بازار غیررسمی کار بوده است. گرایش به چنین استنباطی به منظور سرزنش نمودن جهانی شدن نه تنها مفید نیست، بلکه در ارتباط با سیاستگذاری اهداف، گمراه کننده خواهد بود. آنچه که مفیدتر است، این است که تعیین کنیم، پروسه‌های گوناگون جهانی شدن چگونه بر فرصت‌های شغلی و رفاه و نیکبختی کارگران تاثیر خواهد گذاشت. با چنین طرح مساله‌ای، جهانی شدن می‌تواند تبعاتی هم مثبت و هم منفی را به ارمغان آورد که شایسته است شناخته شوند. البته برخورداری از مواهب جهانی شدن و مصون ماندن از تبعات منفی آن، به میزان بسیار زیادی منوط به سیاستگذاری‌های ملی و بین‌المللی خواهد بود.

امروزه پروسه‌های یاد شده مرزهای بازار کار و اقتصاد را در نوردیده، همبستگی جهانی را افزایش داده و فشارهای رقابتی را تشدید نموده است. در ارتباط با جنبه‌های مثبت جهانی شدن می‌توان گفت که این پدیده منجر به پیدایش فرصت‌های جدید شغلی برای کارگران حقوق‌بگیر و همچنین بازارهای جدیدی برای افراد خوداشتغال شده است. در برخی از کشورهای در حال توسعه سهم اشتغال ایجاد شده توسط شرکت‌های چند ملیتی در کشورهای میزبان بسیار چشمگیر است؛ به طور مثال اشتغال ناشی

از سهم شرکت‌های چند ملیتی در بخش تولید در کشورهای همچون مالزی، سنگاپور و سریلانکا متجاوز از ۴۰ درصد اشتغال کلی این کشورهاست. غالباً هر کجا که کشورهای درحال توسعه خارج از مدار رسمی جهانی شدن قرار گرفته‌اند، بازار اقتصاد غیررسمی آنها به نوعی به جهانی شدن متصل گردیده است.

مخالفان جهانی شدن ادعان می‌دارند که در راستای بهره‌مندی سرمایه و به ویژه شرکت‌های بزرگی که نتوانسته‌اند به سرعت و چالاکی از مرز کشورها عبور کنند، عمل نموده است و از این رهگذر کارگران به خصوص آن گروه از کارگرانی که به دلیل مهارت‌های حرفه‌ای پایین‌تر نتوانسته‌اند، مهاجرت کنند، زیان دیده‌اند. همچنین منافع جهانی شدن بیشتر به سوی آن دسته از شرکت‌های بزرگی سرازیر گردیده است که دسترسی آسان به تکنولوژی و فناوری‌های نوین نداشته‌اند و با کمک این ابزار نتوانسته‌اند بازارهای بکر اقتصاد جهانی را به سرعت و به آسانی تسخیر نموده و واحدهای کوچک صنعتی را محروم و حاشیه‌نشین نمایند. اما نکاتی چند از منظر آنان دور مانده است. عدم مشارکت در پروسه‌های جهانی شدن ناشی از ضعف و عدم توانمندی کشورهاست که مانع از بهره‌مندی آنها از منافع تجارت جهانی، سرمایه‌گذاری و تکنولوژی می‌شود، خواه این مساله ناشی از سیاست‌گذاری‌های ملی و داخلی و یا به دلیل موانع بین‌المللی باشد. البته این مورد نیز واقعیت دارد که فشار رقابت جهانی و پیشرفت‌های تکنولوژی نیز به طور فزاینده‌ای منجر به این گردیده است تا شرکت‌های چند ملیتی وارد عرصه رقابت با

بازارهای محلی گردند که بی‌هیچ وجه قابل مقایسه با آنها نیستند. اما باید توجه کرد که همین شرکت‌های چند ملیتی بخشی از اجزا و قطعات زنجیره تولید خود را به مقاطعه‌کاران دست اول، دوم و سوم که اغلب به صورت واحدهای کوچک صنعتی و یا کارگاه‌های خانوادگی در متن اقتصاد رسمی کشورهای در حال توسعه مشغول هستند، واگذار نموده‌اند. کشور کره از دهه ۸۰ شروع به برنامه‌ریزی تقویت اقتصاد محلی و صنایع کوچک کرد. هم اکنون صادرات کره به رقم باورنکردنی ۱۰۰ میلیارد دلار رسیده است که ۴۵ میلیارد آن از طریق صنایع کوچک محلی تامین شده است. کشورهای نظیر هند، مالزی، سنگاپور، اندونزی و... نیز راه مشابه‌ای را طی کرده و به موفقیت‌های چشمگیری در جلب سرمایه‌گذاری خارجی، همراه با تقویت صنایع کوچک داخلی دست یافته‌اند. از این روی جهانی شدن ضرورتاً به معنای حذف بازارهای محلی نبوده و در جاهایی که با برنامه‌ریزی درست اقتصادی همراه بوده است، حتی موجب تقویت بازارهای محلی شده‌است. بنابراین برای پیشرفت در شرایطی که جهانی شدن برای نه تنها ما، بلکه تمامی کشورهای جهان پدید آورده است، ناگزیریم که فرصت‌ها و تهدیدهای آن را بشناسیم تا با سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های علمی و تخصصی امکان توسعه هر چه بیشتر جامعه خود را فراهم آوریم.

## سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های

### جهانی نیروی کار

اکنون جهانی شدن این امکان را برای بسیاری از کشورها، به خصوص کشورهای در حال توسعه پدید آورده است که از برنامه‌ها و سیاست‌های موفق





سایر کشورها در زمینه نیروی کار استفاده کنند. اولین و مهمترین گام در این زمینه به فعال‌سازی و رقابتی کردن بازار کار مربوط می‌شود. این برنامه امکان انعطاف‌پذیری هر چه بیشتر بازار کار کشورهای در حال توسعه را فراهم می‌آورد. اما این پدیده علاوه بر دستاورد رشد اقتصادی دارای توان‌هایی نیز هست. مهمترین آن معضل بیکاری است. اما قسمت مهم آن به شناسایی انواع بیکاری در جامعه ما برمی‌گردد. برحسب هر نوع بیکاری است که طرح‌های مقتضی برنامه‌ریزی می‌شوند.

برای بیکاری از نوع ساختاری، از برنامه‌های آموزشی و بازآموزی استفاده می‌شود. چرا که بیکاری ساختاری از عدم تطابق تخصص و مهارت‌های نیروی کار با تقاضای مشاغل بازار کار ناشی می‌شود.

برای بیکاری‌های بلند مدت از یارانه‌های بیکاری استفاده می‌شود که در این صورت برای عدم رکود بازار کار دولت باید مشاغل کوچک جدیدی ایجاد کند. همچنین آموزش نیز برای بیکاری‌های بلندمدت مفید بوده است. البته در مواردی که فرصت‌های شغلی وجود داشته باشد، سیاست آموزش بیکاران اثربخش بوده است. در همین راستا باید دولت کمک به تشکیل مراکز کاریابی توسط بخش خصوصی را مدنظر قرار دهد. برای ایجاد مشاغل، دولت می‌تواند یا با توسعه مشاغل کوچک محلی یا مشاغل عمومی (مثل فعالیت‌های عام‌المنفعه، برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی یا مربوط به محیط زیست) و یا با کمک‌های تکنیکی، اطلاعاتی، آموزشی یا پرداخت وام و یارانه به

صنایع کوچک یا افرادی که توان خوداشتغالی دارند، راه‌حلی برای بیکاری‌های بلند مدت بیابد. دولت در فرآیند خصوصی‌سازی باید مالکیت گسترده را مدنظر قرار دهد. در کشورهایی که بخش خصوصی آنقدر قوی نیست تا مستقلاً خود وارد بازار کار شود، این امر به کمک دولت انجام شده است. دولت از طریق فروش سهام، اوراق مشارکت به مردم و واگذاری زمین و برخی از امکانات آموزشی و پژوهشی و غیره، بخش خصوصی را بتدریج وارد بازار کار و درگیر آن می‌سازد و با قوت یافتن بخش

خصوصی، خود به مرور از آن خارج می‌شود. با وجود این طرح‌ها در راستای برنامه دیگر دولت نیز، که تقویت هر چه بیشتر سرمایه‌گذاری داخلی است، صورت می‌گیرد که مکملی برای هر چه رقابتی‌تر شدن اقتصاد و بازار

کار داخلی است. این برنامه‌ها تحرک هر چه بیشتر بازار و افزایش بهره‌وری را بدنبال دارد. البته نباید کارها در همین مقطع توسط دولت رها شود. دولت باید ارزیابی از طرح‌ها و راهکارهای به کار گرفته شده را ترتیب دهد و در صورت لزوم تغییرات و تعدیلاتی اعمال نماید. در عین حالی که به تدریج زمینه را برای فعالیت‌های مستقل و بدون کمک دولتی جهت روی پای‌خود ایستادن صنایع کوچک و محلی فراهم کند. تشویق سرمایه‌گذاری‌های خارجی از دیگر برنامه‌های دولتی است که در راستای رقابتی و پویا کردن بازار داخلی صورت می‌گیرد. همچنین دولت‌ها دیگر نباید برای حل معضل بیکاری تنها به بازار داخلی کار توجه و برنامه‌ریزی کنند. دسترسی به بازارهای کار در خارج از کشور

**دسترسی به بازارهای کار در خارج از کشور روشن‌ترین دستاورد جهانی شدن در بازار کار کشورهاست.**

روشن‌ترین دستاورد جهانی شدن در بازار کار کشورهاست. اکنون از طریق شناسایی بازار کار هدف در سایر کشورها می‌توان بخشی از معضل بیکاری داخلی را از طریق اشتغال آنان در این کشورها برطرف ساخت. البته این نیروها نیاز به برخورداری از حداقلی از تخصص‌ها و مهارت‌ها دارند و آشنایی با زبان بازار هدف و توانایی کار با کامپیوتر حداقل این مهارت‌هاست که دولت باید دوره‌های خاص آموزش و حداقل‌مقدور رایگان را برای بیکاران اعزامی مدنظر قرار دهد. علاوه بر آن برای اعزام نیروی کار به پژوهش‌های مستمر و به روز از شرایط و بازار کار سایر کشورها دارد. به طور کلی امروزه به انعطاف بازار کار بسیار اهمیت داده می‌شود. دولت بیشتر نقش یک تنظیم کننده بازار را داراست. ایجاد انعطاف‌پذیری در بازار و افزایش رقابت و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی از یک سوی رشد اقتصادی را در پی دارد و از سویی دیگر انعطاف‌پذیری و رقابت بازار، بیکاری را در پی دارد، پس باید با برنامه‌های مختلف آموزش و بازآموزی، یارانه بیکاری، برنامه‌های اجتماعی و غیره، توان‌های سیاست‌های فوق را جبران کرد که چنین سیاست‌ها و برنامه‌هایی توسط دولت تنظیم می‌شود (به جدول ۱ رجوع شود).

### سرمایه‌های انسانی و اجتماعی

سرمایه‌های انسانی و اجتماعی در دنیای امروز به عنوان جدیدترین مباحث در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگی مطرح بوده‌اند. از اصلی‌ترین زیر ساخت‌های توسعه پایدار توجه و تقویت سرمایه‌های انسانی و اجتماعی است.

همانطور که سرمایه فیزیکی، با ایجاد تغییرات در مواد، برای شکل دادن به ابزارهایی که تولید را تسهیل می‌کنند، به وجود می‌آیند، سرمایه انسانی نیز برای واگذاری مهارت‌ها و توانایی‌ها به افراد پدید می‌آید و انسان‌ها را توانا می‌سازد تا به شیوه‌هایی جدید و مطلوب‌تر رفتار کند (کلمن، ۱۳۷۸: ۴۶۴). سرمایه اجتماعی به مجموع منابعی که در بنیاد روابط خانوادگی و در سازمان اجتماعی جامعه وجود دارد و برای رشد شناختی و اجتماعی افراد آن سودمند است، اطلاق می‌شود. سرمایه اجتماعی به روابط اقتدار و اعتماد متقابل جامعه مربوط می‌شود (همانجا، ۴۵۸ - ۴۵۹). سرمایه انسانی به هر فرد مرتبط است. به توانایی و محدودیت‌های فردی که به عنوان عوامل تولید تعیین کننده است.

از این روی دانش، تخصص و مهارت را در بر می‌گیرد. در حالی که سرمایه اجتماعی به روابط بین افراد مربوط است. تعهد و التزام هرگز به شکل منفرد قابل تحقق نیست، بلکه به رابطه بین افراد معطوف است. تفاوت عمده دیگر سرمایه‌های اجتماعی با سرمایه‌های فیزیکی و انسانی در آن است که همچون آنها کاملاً تعویض‌پذیر نیستند. سرمایه‌های انسانی و اجتماعی دارای شاخص‌های مختلفی هستند که اعتماد، اخلاق و وجدان‌کاری، مشارکت‌پذیری، نظم‌پذیری، مسوولیت‌پذیری و... از آن جمله‌اند. از این روی ضروری خواهد بود که به آنها پرداخته شود.

### اخلاق‌کاری و وجدان‌کاری:

در بررسی سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، اخلاق‌کاری و وجدان‌کاری از جایگاهی ویژه



برخوردارست. اخلاق کاری شامل عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و اعمال مربوط به انواع کار در یک جامعه می‌شود که در شخصیت افراد یک جامعه تثبیت شده و در نهادهای مختلف جامعه تولید و باز تولید می‌شود. اخلاق کاری قوی و تعهد کاری، لازمه هر نوع توسعه پایداری است و رشد و تقویت فزاینده آن موجب افزایش بهره‌وری و خیر جمعی و فردی است. همچنین وجود اخلاق کاری قوی در جامعه موجب تقویت تعاون، تفاهم و اعتماد اجتماعی، ثبات سیاسی و اخلاق عملی خواهد شد (حبیبی، ۱۳۸۰: ۴۱) و معیاری مناسب برای سنجش فضایل اخلاقی بدون ریا و تزویر خواهد بود.

اخلاق کار و وجدان کاری امور واقع و پدیده‌هایی هستند قابل شناسایی و مطالعه، تغییرپذیر، قابل کنترل و دستکاری که از قواعد کلی حاکم بر فرهنگ جامعه تبعیت می‌کنند و این قواعد را در زمینه کلی‌تر اجتماعی و فرهنگی می‌توان بررسی کرد (رجب زاده، ۶۴).

اما باید توجه داشت که در کشور ما اخلاق کاری و وجدان کاری به عنوان واقعیت‌هایی که در جامعه در قالب کنش آفریده می‌شوند با آنچه در قالب ایده‌ها و اظهار نظرهای رسمی بیان می‌شود نه تنها متفاوت، بلکه در بسیاری از موارد در تضاد آشکار است. به بیان دیگر، آنچه در طی گزینش‌های افراد جامعه و در اعمال انجام شده در محیط‌های کاری مختلف تولید و باز تولید می‌شود بسیار متفاوت است با آنچه در اظهار نظرهای رسمی، بیان ارزش‌ها و هنجارها توسط افراد بروز داده می‌شود که در

بسیاری از موارد در تعارض آشکار با یکدیگرند.

## مشارکت‌پذیری

مشارکت‌پذیری یکی از اصلی‌ترین متغیرهای سرمایه‌های اجتماعی است. مشارکت می‌تواند کارآیی و بهره‌وری نیروی کار را افزایش دهد و ضایعات انسانی (احساس محرومیت، بدبختی، آوارگی، سرگردانی و اجبار) را به حداقل برساند. کار در شکل غیر مشارکتی‌اش به صورت امری خارجی و غریبه برای نیروی کار بیرون می‌آید. نتیجه این غریبگی، عدم ارضاء در حین کار، عدم توسعه آزادانه نیروهای روحی و جسمی و تحلیل رفتن توان جسمی است (محمدی، ۱۳۸۰: ۲۴۲). کار غیرمشارکتی به نوعی کار اجباری و تحمیلی بدل می‌شود که بازده و بهره‌وری آن را نیز کاهش می‌دهد. در کار مشارکتی، تنها دستاورد کار، بازده اقتصادی و بهره‌وری مدنظر نیست، بلکه دستاورد اجتماعی آن، ارضای بسیاری از نیازهای روانی و اجتماعی انسان‌ها را می‌توان یافت. اگر انسان‌ها در کار خویش احساس مشارکت نداشته باشند، بلافاصله پس از برداشته شدن اجبار فیزیکی یا ضرورت‌های ناشی از بقا و حیات، از آن دوری می‌جوید. از این روی در چند دهه اخیر تلاش وسیعی برای ایجاد گروه‌های تشریک مساعی در حین کار در کارخانه‌ها و مراکز تولیدی بزرگ صورت گرفته است. این گروه‌ها دارای دو ویژگی عمده هستند. اول آن که امکان جابجایی کار در درون گروه وجود دارد و دوم این که گروه به طور منظم می‌تواند گرد هم آمده و مسایل تولید و حیطة کار را مطالعه و حل کند. این گروه‌ها از آموزش

بیشتری برخوردارند و خود در تعریف و تنظیم روش انجام وظایف خویش تا حدودی اختیارات دارند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۵۲۶). در این شرایط برای افراد پیوستن به گروه مزایای اقتصادی، ارضای نیاز از طریق کار جمعی و کسب هویت و تشخیص فردی بیشتر را در پی دارد (لوتانز، ۱۹۷۳: ۴۴۲-۴۴۴؛ برمان، ۱۹۸۲).

ایده مشارکت نه تنها در سطوح فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی حتی در سطوح مختلف فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی نیز موفق بوده است. دموکراسی صنعتی، غیر از سطح آرمانی در سطح جریان عمل و تحولات عینی نیز موفق بوده است. مطالعات درباره برخی تعاونی‌ها حکایت از آن دارد که شرکت‌های تعاونی در مقایسه با شرکت‌های دیگر در بازار رقابت از ۳۰ الی ۵۰ درصد کارایی بیشتری برخوردار بوده‌اند. اما لازمه مشارکت نخست اعتماد است. بی‌اعتمادی موجب ناامنی و بی‌ثباتی اقتصادی به ویژه در روند تولید کالا می‌شود (ملکی‌زاده، ۱۰۶-۱۰۸).

برخی از بررسی‌ها نشان می‌دهد که بی‌اعتمادی موجب بی‌مسئولیتی، کاهش همبستگی ملی و تقویت روحیه قومی و قبیله‌ای و تبعیض‌آمیز می‌شود (همانجا، ۱۰۶-۱۰۸).

## اعتماد اجتماعی

یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های سنجش سرمایه اجتماعی ارزیابی میزان اعتماد اجتماعی افراد یک جامعه است. به طوری که هر میزان بر اعتماد افراد به یکدیگر افزوده شود، تعاملات و تبادلات کاری و اجتماعی بیشتر خواهد بود.

همانگونه که مردم خانه‌هایی آجری، چوبی یا خشتی با مصالحی که در دستشان دارند می‌سازند،

همانگونه جوامع نیز با مشخص شدن منابع محلی خود و ایجاد برنامه‌های کاری برای ساختن خانه‌ای مدنی به خلق اعتماد اجتماعی اقدام می‌کنند (نشریه اینترنتی موسسه ppcc، ۱۱۱) اکنون سطح جهان از مرحله اعتمادهای تجاری و بین‌المللی در عرصه‌های کاری و معاملات پولی و اعتباری گذشته و سخن از اعتمادهای بنیادی و مشارکتی در کارهای داوطلبانه و عام‌المنفعه است. در کشور ما این عامل هنگامی در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی عمیق و بلندمدت انعکاس می‌یابد که پیش از آن در برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت دنبال شده و محقق گردد.

## هنجارپذیری و نظم‌پذیری

کنش‌های اختیاری و خودانگیخته بیش از آن که ناشی از قواعد و جبر بیرونی باشند، از اخلاق و هنجارها و قواعد حاکم بر آنها پیروی می‌کنند. معیارها و قواعد اخلاقی، کنش‌ها و تعهدات و مناسبات اجتماعی را تنظیم می‌کند و با چنین‌الگویی امکان مشارکت و پیش‌بینی کنش‌ها را فراهم می‌سازند. به بیان دیگر این الزامات درونی و هنجارها و اعتمادهای متقابل است که نظم‌پذیری و مشارکت‌پذیری را تعیین می‌کند (فرهنگ و پژوهش ۴).

## نتیجه‌گیری

جهانی شدن جامعه ما را با شرایط جدیدی مواجه کرده است که باید آن را شناخت و سپس برنامه‌ها و راهکارهای مناسب را در هر مورد اتخاذ نمود. بازار کار چه در جهان و چه در کشور ما متأثر از این تحولات است. اگر بر اثر شوک اولیه از جهانی شدن، اقتصاد و بازار کار ما دچار ضربه شود، این به معنای تداوم آن وضعیت نیست و با



برنامه‌ریزی حساب شده می‌توان به وضعیتی جدید دست یافت که اقتصاد و بازار کار ما تواناتر، فعال‌تر و در عین حال از معضل بیکاری کمتر آسیب ببیند. برای فعال‌سازی بازار کار، دولت باید به بازار کار خارج از کشور نظر داشته باشد و به شکلی جدی برای اعزام نیروهای کاری به کشورهایی که در آنها تقاضای کار وجود دارد، وارد گفتگو شود. در بازارهای داخلی با کمک ایجاد مشاغل کوچک، محلی و عام‌المنفعه وارد عمل شود، انواع کمک‌های تکنیکی، آموزشی، اطلاعاتی، وام یا کمک‌های خوداشتغالی را در اختیار متقاضیان قرار دهد، در عین حالی که شرایط را برای رقابت هر چه سالم‌تر اقتصادی فراهم می‌سازد. علاوه بر آنها سرمایه‌گذاری‌های خارجی را در بازار داخلی تشویق کرده و تسهیلات لازم را برای فعالیت بلندمدت سرمایه‌گذاران خارجی فراهم آورد. از طرفی برای مقابله با معضل بیکاری، همه ابعاد و انواع و علل پدیدآورنده آنها را شناخته و برحسب هر یک برنامه و راه کار مناسب را به اجرا گذارد. از بیکاری ساختاری و بلندمدت گرفته تا بیکاری‌های فصلی و پنهان. همه این‌ها مستلزم توجه فزاینده دولت به تحقیق و آموزش است. با آموزش و بازآموزی است که می‌توان نیروی کار ماهر به خارج از کشور صادر کرد و بیکارانی را که بیکاری آنها ناشی از نوع بلندمدت بوده یا از ضعف ساختاری می‌باشند، وارد بازار کار نمود و اشخاصی را که در مشاغل کاذب فعالیت می‌کنند یا از روستا به شهر آمده‌اند، وارد چرخه اشتغال کرد. با پژوهش‌های مستمر است که می‌توان بازار کار را شناخت، تحولات آن را

بررسی کرد، نتایج حاصل از برنامه‌ها را ارزیابی نمود و در صورت لزوم اقدام به تغییر، تعدیل یا تجدیدنظر کرد. اما همه اینها نباید موجب شود که دولت کمک‌های یارانه‌ای به بیکاران را فراموش کند، چرا که اشتغال کامل دورنمایی است که بازار کار ما بسیار با آن فاصله دارد و در صورتی که بازار کار با برنامه‌های دولت، انعطاف‌پذیر و رقابتی باشد، بیکاری اجتناب‌ناپذیر است و انواع متنوعی از کمک‌های یارانه‌ای باید آثار منفی این سیاست‌ها را جبران کند. در امر خصوصی‌سازی با توجه به تجارب ناموفق برنامه‌های گذشته در این زمینه، دولت باید از تجربه‌های جهانی کشورهایی استفاده کند که خصوصی‌سازی ناموفق خود را با کمک‌های دولتی تقویت کنند. در این راه با مالکیت تلفیقی دولت از طریق فروش سهام یا اوراق مشارکت و ارایه برخی از امکانات آموزشی و پژوهشی و غیره، بخش خصوصی به گونه‌ای که مستقلاً بتواند در بازار کار رقابت کند، دولت به تدریج از آن خارج شود.

علاوه بر این‌ها، موضوع‌های دیگری در عرصه جهانی شدن در دنیای امروز مطرح‌اند که از میان عوامل اقتصادی، نیروی کار را بیش از عوامل دیگر اهمیت داده و مورد نظر قرار می‌دهند. به طوری که از نیروی کار به عنوان سرمایه‌های انسانی و اجتماعی یاد می‌شود. سرمایه‌های انسانی به مهارت‌ها و توانایی‌های نیروی انسانی برمی‌گردد و سرمایه اجتماعی به روابط اقتدار و اعتماد جامعه مربوط می‌شود که همچون سرمایه‌ای با ارزش برای جامعه باید در نظر گرفته شود. بنابراین دولت‌ها به این سرمایه‌های جدید مبتنی بر دانش‌های انسانی باید توجه کرده و برای استفاده هر چه مطلوب‌تر از آن، برنامه‌ریزی نمایند □

جدول شماره ۱ - اهداف، راهکارها، نتایج و تعدیلات در برنامه های دولتی

برنامه ها	اهداف	راهکارها	نتایج	تعدیلات
فعال سازی بازار کار و اقتصاد داخلی با رقابتی کردن آن.	انعطاف پذیری بازار کار.	۱- کمک به سرمایه گذاری داخلی. ۲- تشویق سرمایه گذاری خارجی.	رشد اقتصادی و افزایش بیکاری.	اتخاذ برنامه های جبرانی و حمایتی از بیکاران.
برنامه های جبرانی و حمایتی از بیکاران.	کاهش صدمات حاصل از بیکاری.	۱- شناسایی انواع بیکاری. ۲- تصمیم گیری در مورد هر نوع از بیکاری به تفکیک. ۳- آموزش و بازآموزی. ۴- دادن یارانه بیکاری، یارانه دستمزد، بیمه بیکاری و ... ۵- تاسیس موسسات کارآیابی با کمک بخش خصوصی.	چرخش پروسه تحرک بازار و افزایش بهره وری نیروی کار. تغییرات در طرح ها براساس ارزیابی های جدید.	ارزیابی نتایج و راهکارهای مربوط به هر نوع بیکاری و تغییرات در طرح ها براساس ارزیابی های جدید.
کمک به سرمایه گذاری داخلی.	قابل رقابت شدن صنایع داخلی در بازار.	۱- دادن کمک و وام به طرح های خوداشتغالی. ۲- کمک های تکنیکی، اطلاعاتی و آموزشی به صنایع کوچک و محلی. ۳- تشویق مالکیت گسترده و تلفیقی.	رشد و تقویت صنایع کوچک محلی. مدیریت اقتصاد و بازار کار داخلی.	زمینه سازی تدریجی برای فعالیت های اقتصادی مستقل صنایع کوچک و محلی.
تشویق سرمایه گذاری خارجی.	رقابتی کردن هرچه بیشتر بازار کار داخلی، توسعه اقتصادی و اشتغالزایی پایدار.	۱- اطلاع رسانی در خصوص مزایای سرمایه گذاری های خارجی در کشور. ۲- در نظر گرفتن تخفیفات برای سرمایه گذاری خارجی. ۳- انجام پژوهش هایی درباره اقتصاد داخلی، فرصت های موجود در اقتصاد داخلی، موقعیت بازار کار و استراتژی های مناسب.	رونق اقتصادی و جذب بیکاران حاصل از رقابتی شدن بازار کار در داخل کشور.	برنامه ریزی برای اعزام نیروی کار به خارج از کشور و تداوم برنامه های جبرانی و حمایتی از بیکاران.
برنامه ریزی برای اعزام نیرو به خارج.	حل معضلات بیکاری.	۱- پژوهش و بررسی بازار کشورهای خارجی. ۲- مذاکره و عقد قرارداد برای اعزام نیروی کار به خارج. ۳- آموزش نیروی کار.	تحت پوشش قرار گرفتن بیکارانی که در بازار کار داخلی جذب نشده و یا فراهم نمودن امکاناتی که بتوان با اعزام آنها به خارج فرصت اشتغال را برای سایر بیکاران فراهم ساخت.	ارزیابی شرایط، نتایج و میزان رضایت مندی نیروی کار اعزام شده به خارج از کشور و تصمیم گیری در مورد تداوم یا عدم تداوم آن در مناطق مختلف.

## فهرست منابع فارسی:

## فهرست منابع لاتین:

- 1- Berman, Lv. The United States of American: A Cooperative Model For: Worker Management in F.H. Stephan. The Performance of Labour-Managed Firm. New York. Mac Millan.1982.
- 2- ILO. Child Labour, Targeting the Intolerable. World of Work, the Magazine of ILO, No.18, December 1996.
- 3- Luthans, Fred. Organizational Behavior. New York, Mac Grow Hill, 1973.
- 4- Meuwese, Stan. Rijves, katja, International Yearbook of Children's Rights, Defence for Children International, 1993.
- 5- Seyf, Ahmad. Globalization and the Crisis in the International Economy. in Global Society, Vol.11, No.3,1997.
- ۱- جستار. کودکان رنج و کار، اندیشه جامعه، شماره ۵، تهران، ۱۳۷۸
- ۲- حبیبی، محمد و همکاران. بررسی تجربی اخلاق کار در ایران، آئینه پژوهش، موسسه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران، ۱۳۸۰.
- ۳- رجب زاده، احمد. ارزش‌ها و ضعف وجدان‌کاری در ایران، نامه پژوهش، شماره ۵.
- ۴- فرهنگ و پژوهش، نظم یا بی‌نظمی اخلاقی، وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی، شماره ۹۱.
- ۵- کلمن، جیمز. بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران: ۱۳۷۸.
- ۶- گیدنز، آنتونی. جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، ۱۳۷۳.
- ۷- محمدی، مجید. کار، خلاقیت و کنش اجتماعی؛ آسیب‌شناسی نظام و روابط کار در ایران، موسسه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران، ۱۳۸۰.
- ۸- ملکی زاده، اکبر. بررسی نقش اعتماد متقابل مردم و حکومت در توسعه سیاسی، نمایه پژوهش، شماره ۸.
- ۹- نشریه اینترنتی موسسه pccc، ایجاد اعتماد اجتماعی، نمایه پژوهش، شماره ۱۸.
- ۱۰- سند برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۶۷.
- ۱۱- سند برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۷۲.
- ۱۲- سند برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۷۸.
- ۱۳- مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین، مطالعات امور مناطق دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات وزارت برنامه و بودجه، ۲۵ مجلد، ۱۳۶۴.
- ۱۴- دفتر آمایش سرزمین، طرح تدوین برنامه ایران ۱۴۰۰، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ۱۳۷۵.